

تعامل ضابطان دادگستری با حریم خصوصی خودروها

عادل ساریخانی*

ایمان محترم قلاتی**

چکیده

چگونگی برخورد ضابطان دادگستری با حق حریم خصوصی اشخاص از مهم ترین موضوعات حقوقی است که در ارتباط با گستره وظایف و اختیارات پلیس قابل طرح است. تعیین حدود اختیارات و وظایف ضابطان دادگستری باید به گونه‌ای باشد که در عین حفظ امنیت و نظم عمومی، به حقوق اشخاص، به ویژه حق حریم خصوصی آنها تا حد امکان خدشه‌ای وارد نشود. این پژوهش که از طریق مطالعه توصیفی - تحلیلی و با رویکرد مطالعات اسنادی نوشته شده، به بررسی دامنه و ماهیت وظایف و فعالیت‌های قانونی ضابطان دادگستری در تعامل با حریم خصوصی خودرو شهروندان پرداخته است. در این نوشتار مقررات حاکم بر وضعیت‌هایی که امکان نقض حریم خصوصی خودروی شهروندان در آن توسط ضابطان دادگستری وجود دارد تحلیل شده است. در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت که قوانین موجود در مورد این حوزه از حریم خصوصی، در جرایم مشهود و غیر مشهود به درستی از سیاستی افتراقی پیروی کرده است. بررسی قوانین و مقررات مرتبط با موضوع گویای این است که هر چند ابعاد مختلف حریم خصوصی خودرو شهروندان از حمایت قانونی کافی برخوردار است، ولی پیش‌بینی نکردن اقدامات پلیسی در وضعیت‌های اضطراری، در عمل باعث ایجاد برخی رویه‌های سلیقه‌ای خلاف قانون می‌شود که در نهایت این رویه‌ها منجر به نقض غیر قانونی حق حریم خصوصی خودروی شهروندان می‌گردد. یافته‌های این نوشتار همچنین حاکی از این است که می‌توان با توسل به راهکارهایی منطقی به دو هدف بنیادین ایجاد امنیت و حفظ حق حریم خصوصی خودرو به صورت توأمان دست یافت.

کلیدواژه‌ها: پلیس، ضابطان دادگستری، حریم خصوصی خودرو، حقوق شهروندی.

Adelsari@yahoo.com

* عضو هیأت علمی گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم

Iman_mohtaram@yahoo.com (نویسنده مسئول)

** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۸/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۲۷

مقدمه

حق حریم خصوصی از شاخص‌ترین حقوق تضمین‌کننده امنیت، آزادی، کرامت و آسایش شهروندان است. اصطلاح «حریم خصوصی» به عنوان مفهومی حقوقی، نخستین بار در سال ۱۸۹۰ میلادی، توسط دو آمریکایی به نام‌های «ساموئل وارن»^۱ و «لوئیس براندیس»^۲ در مقاله‌ای با عنوان «حق حریم خصوصی»^۳ در مجله حقوقی هاروارد مورد استفاده قرار گرفت.^۴

در علم حقوق مفاهیم و معانی متعددی از این اصطلاح ارائه شده، اما تا کنون هیچ تعریفی مورد اتفاق حقوق‌دانان قرار نگرفته است. یکی از دلایل مهم این اختلاف نظر تنوع و تکثر مصادیق حق حریم خصوصی است که در عصر حاضر به دلیل پیشرفت‌های فنی و تکنولوژیک، به وجود آمده است.^۵ به‌علاوه در هیچیک از قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی نیز تعریفی^۶ از حریم خصوصی ارائه نشده و تنها تعریفی که در مقرره‌های الزام‌آور وجود دارد، تعریف مندرج در بند «ب» ماده (۱) آیین نامه اجرایی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات است که در سال ۱۳۹۳ به تصویب هیأت وزیران رسیده است. مطابق این تعریف، حریم خصوصی عبارت است از «قلمروی از زندگی شخصی فرد که انتظار دارد دیگران بدون رضایت یا اعلام قبلی وی یا به حکم قانون یا مراجع قضایی آن را نقض نکنند، از قبیل حریم جسمانی، وارد شدن، نظاره کردن، شنود و دسترسی اطلاعات شخصی فرد از طریق رایانه، تلفن همراه، نامه، منزل مسکونی، خودرو و آن قسمت از مکان‌های اجاره‌شده خصوصی نظیر هتل و کشتی، همچنین آنچه که حسب قانون فعالیت حرفه‌ای خصوصی هر شخص حقیقی و حقوقی محسوب می‌شود؛ از قبیل اسناد تجاری و اختراعات و اکتشافات».

1. Samuel Waran.
2. Louis Brandies.
3. The Right To Privacy.
4. Waran, Samuel; Brandies, Louis, "The Right of Privacy", Harvard Law Review, Vol. 4, December 15, No. 5, 1890.
به نقل از: شهباز قهفرخی، سجاد، «حریم خصوصی فیزیکی افراد در آئینه فقه امامیه و حقوق ایران»، پژوهش‌های فقهی، شماره ۱۳، ۱۳۹۲، ص. ۵۶.
۵. ساریخانی، عادل؛ موسوی، محمد، «قلمرو پوشش و حریم خصوصی در سیاست کیفری اسلام»، پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی، شماره ۱۶، ۱۳۹۰، ص. ۸۴.
۶. در این ارتباط اشاره به تعریف ارائه‌شده در ماده ۲ لایحه حمایت از حریم خصوصی، هر چند این قانون به تصویب مجلس نرسیده و فاقد جنبه الزام‌آور است، خالی از فایده نیست. این ماده اشعار می‌داشت: «حریم خصوصی قلمرویی از زندگی هر شخص است که آن شخص عرفاً یا با اعلام قبلی در چارچوب قانون، انتظار دارد تا دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند یا بر آن نگاه یا نظارت نکنند یا به اطلاعات راجع به آن دسترسی نداشته باشند یا در آن قلمرو، وی را مورد تعرض قرار ندهند. جسم، البسه و اشیاء همراه افراد، اماکن خصوصی و منازل، محل‌های کار اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی با دیگران حریم خصوصی محسوب می‌شود».

به طور کلی می‌توان گفت که حریم خصوصی دارای مفهومی انتزاعی است که از مجموعه حقوق و تکالیف در ابواب گوناگون به دست می‌آید^۱ و دارای سه عنصر تنهایی، محرمانه و ناشناس بودن است^۲ و عبارت از قلمروی از زندگی اشخاص است که بدون رضایت آنها، قانوناً و یا عرفاً مصون از دخالت، ورود، دسترسی، تسلط و یا اطلاع دیگران می‌باشد. تأکید بر واژه «عرفاً» در تعریف ارائه‌شده از این حیث است که ارائه تعریف منحصر و منجز از حریم خصوصی با توجه به انعطاف‌پذیری و انطباق این مفهوم با مقتضیات زمانی و مکانی مختلف منطقی نیست.^۳

در ایران اغلب مصادیق حق حریم خصوصی در قانون اساسی و قوانین عادی متفرقه به صورت پراکنده و غیر مستقیم به رسمیت شناخته شده اما تا کنون قانونی جامع که تمام جنبه‌های حریم خصوصی را تحت پوشش قرار دهد، وضع نشده است.^۴ این حق دارای مبانی و منابع شرعی متعددی نیز هست. هر چند اصطلاح «حق حریم خصوصی» عیناً در متون دینی ذکر نشده ولی مصادیق مختلف آن در برخی از آیات شریفه قرآن کریم^۵ و روایات اسلامی^۶ مورد حمایت شارع مقدس قرار گرفته است.^۷

حریم خصوصی خودرو یکی از مهم‌ترین مصادیق حق حریم خصوصی است. افزایش جابجایی شهروندان با وسایل حمل و نقل سبب شده است که بسیاری از شهروندان مدت زمان قابل‌اعتنایی از زندگی خود را در خودرو سپری کنند. از این رو حفظ و دفاع از امنیت و آرامش شهروندان در این فضا بسیار مهم است. مهم‌ترین

۱. قنواتی جلیل؛ جاور، حسین، «حریم خصوصی؛ حق یا حکم»، حقوق اسلامی، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۹۰، ص. ۹.

۲. انصاری، باقر، حقوق حریم خصوصی، چاپ سوم، تهران، نشر سمت، ۱۳۹۱، ص. ۳۴.

3. Alpa, Guido, "Protection of Privacy in Italian Law", In: Protecting Privacy, Edited by: Basils.Markesinis, Oxford, Carlendobn Press, 1998, pp. 121-124.

به نقل از: رحمدل، منصور، «حق انسان بر حریم خصوصی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۰، ۱۳۸۴، ص. ۱۴۴.

۴. دولت هشتم با شناخت این خلأ قانونی، لایحه‌ای تحت عنوان «حمایت از حریم خصوصی» تقدیم مجلس شورای اسلامی کرد. این لایحه دارای ۷ فصل و ۸۳ ماده و با سرفصل‌هایی همچون حریم خصوصی جسمانی، حریم خصوصی اماکن و منازل، حریم خصوصی در محل کار، حریم خصوصی اطلاعات، حریم خصوصی ارتباطات و مسئولیت‌های ناشی از نقض حریم خصوصی بود. در این لایحه مجازات نقض‌کنندگان هریک از مصادیق حریم خصوصی جداگانه تشریح شده بود که حبس از سه ماه تا سه سال و انفصال از خدمت و محرومیت از حقوق اجتماعی از سه تا پنج سال از جمله آن مجازات‌ها بود. لیکن مجلس هیچ‌گاه وارد بررسی این لایحه نشد و دولت جدید نیز این لایحه را مسترد نمود.

۵. برای مثال، آیات ۲۷ و ۲۸ سوره شریفه نور بر لزوم رعایت حرمت مسکن تأکید کرده و افراد را از ورود به منزل غیر، بدون اذن صاحب آن منع کرده است.

۶. برای مطالعه بیشتر در خصوص آیات و روایات مرتبط با حریم خصوصی بنگرید به: انصاری، باقر، «حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام؛ تطبیقی و ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۶، ۱۳۸۳، صص. ۱۹-۱۸.

۷. ساریخانی، عادل؛ موسوی، محمد، منبع پیشین، صص. ۱۰۴-۸۱.

اقدامی که منجر به نقض حریم خصوصی خودرو افراد می‌شود، ورود به فضای داخلی خودرو و تفتیش آن بدون اذن مالک یا سرنشینان است. البته قانون به دلیل مصالح عمومی و اجتماعی، در برخی موارد و تحت شرایطی خاص ورود پلیس^۱ به این فضا بدون اذن و رضایت اشخاص ذی‌حق را مجاز دانسته است، زیرا تعقیب متهمان و کشف ادله بسیاری از جرایم مستلزم بازرسی و تفتیش خودرو است.

پلیس به عنوان بازوی نظام قضایی و نیروی ایجاد امنیت در جامعه نقشی مؤثر در فرآیندهای تعقیب، تحقیق و دستگیری متهمان و مجرمان دارد و اساساً پاسدار حقوق مردم از جمله حق حریم خصوصی خودرو است. با وجود این، دامنه و ماهیت وظایف و فعالیت‌های روزمره پلیس به گونه‌ای است که باعث ایجاد تعامل گسترده این نهاد با حق حریم خصوصی خودرو می‌شود و بر این اساس احتمال نقض غیر قانونی این حق در جریان فعالیت‌های پلیس زیاد است.

مسئله حائز اهمیت دیگر اینکه پیشرفت‌های علمی و فنی عصر حاضر، ابزارهای مدرنی از قبیل دستگاه ردیاب و دوربین‌های بیسیم نامحسوس را در اختیار پلیس قرار داده که به کارگیری آنها در عین حال که در کشف و پیشگیری از جرایم بسیار مؤثر است، قابلیت بالایی هم در نقض حریم خصوصی افراد دارد. با توجه به اینکه دسترسی پلیس به چنین فناوری‌هایی به راحتی می‌تواند زمینه در هم شکستن مرزهای حق حریم خصوصی خودرو شهروندان را فراهم آورد، ترسیم حد و مرز معین بین شرایط و شیوه‌های استفاده از ابزارهای نوین و حفظ حقوق و آزادی‌های افراد، یکی از ضرورت‌های سیاست جنایی کشورها است. در همین راستا بسیاری از کشورها در پی آن هستند تا با وضع قوانین مناسب، در عین واگذاری اختیارات تعقیبی و تحقیقی لازم به نیروهای پلیس و حفظ امنیت و منافع عمومی، از حقوق شهروندان به ویژه حق حریم خصوصی خودرو آنها نیز حمایت کنند.

بنابراین نظر به اینکه پرداختن به موضوع تعامل پلیس با حریم خصوصی خودرو شهروندان از اهمیت و ضرورت زیادی برخوردار است، در این نوشتار مقررات حاکم بر وضعیت‌هایی که وظایف و اختیارات پلیس در تعامل یا تعارض با حریم خصوصی خودرو شهروندان قرار می‌گیرد، بررسی می‌شود تا مشخص شود که رویکرد مقنن ایران در ترسیم و تعیین گستره و ماهیت حریم خصوصی خودرو اشخاص در ارتباط با اقدامات پلیسی چیست. به علاوه به تمایز اختیارات و وظایف پلیس در جرایم مشهود و غیر

۱. نیروهای پلیس بر اساس ماهیت وظایفی که دارند به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. در این مقاله اصطلاح «پلیس» در معنای اخص آن مورد استفاده قرار گرفته و صرفاً نیروهایی که ضابط دادگستری هستند را در بر می‌گیرد.

مشهود و شرایط قانونی بازرسی و ورود به حریم خصوصی خودرو خواهیم پرداخت و این مسأله را مورد بررسی قرار خواهیم داد که ایران در خصوص استفاده پلیس از ابزارهای مدرن تعقیبی و تحقیقی حول حریم خصوصی خودرو چه سیاستی را اتخاذ نموده و برای ایجاد تعادل بین حق حریم خصوصی خودرو و برقراری نظم عمومی با استفاده از ابزارهای سنتی و مدرن پلیسی چه راهکارهایی وجود دارد. در مبحث آخر مقاله نیز اقدامات ایست و بازرسی‌های کلی خودروها توسط نیروهای نظامی و انتظامی و مطابقت آن با قوانین و مقررات موضوعه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

۱. گستره حریم خصوصی خودرو

هرچند حق حریم خصوصی خودرو اختصاصاً مورد توجه مقنن قرار نگرفته است، اما قوانین و مقررات مختلف این حق را به صورت کلی تحت حمایت خود قرار داده‌اند. قانون اساسی در اصول ۲۲ و ۲۵ این حق را به صورت غیر مستقیم مورد حمایت قرار داده است. اصل ۲۲ ق.ا. مقرر داشته است: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند». یکی از جنبه‌های حقوق افراد در خصوص برخی از مصادیق ذکرشده در این اصل، حق برخورداری از حریم خصوصی مرتبط با آن موضوع است. ممنوعیت تعرض به حریم خصوصی اشخاص، در این اصل مطلق نیست، اما تصریح شده است که موارد مجاز تعرض به حقوق اشخاص تنها از طریق قانون مشخص می‌شود. نکته حائز اهمیت در خصوص این اصل این است که خودرو قطعاً یکی از مصادیق بارز واژه «مال» مندرج در اصل مذکور است و تبعاً حمایت‌های قانونی ناشی از این اصل در خصوص خودرو نیز اعمال می‌گردد. اصل ۲۵^۱ نیز هر گونه تجسس در زندگی خصوصی اشخاص را ممنوع کرده است، مگر اینکه قانون مجوز چنین اقداماتی را صادر کرده باشد. اگرچه این دو اصل صراحتاً به حق حریم خصوصی اشاره نکرده‌اند، ولی به طور کلی دامنه شمول این دو اصل چنان گسترده است که به صورت غیر مستقیم، اغلب مصادیق حریم خصوصی از جمله حریم خصوصی خودرو را تحت حمایت قرار می‌دهند. در اینجا ذکر دو مطلب ضروری است. یکی اینکه مقامات عمومی نمی‌توانند بدون وجود قانون مصوب مجلس و به صلاحدید خود حریم خصوصی اشخاص را مورد تعرض قرار دهند و دیگر اینکه مجاری قانون‌گذاری مجاز نیستند بنا بر هر دلیلی، اصل کلی حفظ حریم خصوصی افراد را به

۱. اصل ۲۵ قانون اساسی: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون».

موجب قانون محدود کنند. به گفته برخی حقوقدانان این اقدام در صورتی منطقی خواهد بود که با هدف پشتیبانی از حقی مهم‌تر از قبیل پیشگیری از نقض امنیت و آسایش عمومی انجام شود.^۱

برخی از قوانین عادی از جمله ماده ۵۷۰^۲ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ حقوق مندرج در قانون اساسی که حق حریم خصوصی خودرو شهروندان مصداق بارز آن است را مورد حمایت کیفری قرار داده‌اند. قانون مهم دیگر مرتبط با حریم خصوصی، قانون «حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر» است. این قانون در ماده ۵ خود، بر ممنوعیت تعرض به حریم خصوصی اشخاص در اجرای امر به معروف و نهی از منکر تأکید داشته است. همچنین ماده ۶ قانون مزبور^۳ انجام اعمال مجرمانه به عنوان امر به معروف و نهی از منکر را ممنوع اعلام نموده است. بند «ب» ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب هیأت وزیران (۱۳۹۳) ضمن تعریف حریم خصوصی، حق حریم خصوصی خودرو را صراحتاً به رسمیت شناخته است. این حق همچنین مورد تأیید بسیاری از مراجع تقلید از جمله آیات عظام شبیری زنجانی، سید سعید حکیم، مکارم شیرازی و نوری همدانی نیز قرار گرفته است. ایشان اظهار داشته‌اند که فضای داخل خودرو جزء حریم خصوصی است و تعرض بدان مجاز نیست.^۴

با وجود این، تبصره ماده ۵ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مقرر داشته است: «اماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می‌گیرند، مانند قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و نیز وسایل نقلیه مشمول حریم خصوصی نیست». این مقررده ممکن است القاء‌کننده این تصور باشد که قسمت‌هایی از خودرو که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار دارد، حریم خصوصی نیست و از این حیث پلیس بدون رعایت تشریفات وضع‌شده در قوانین و مقررات حق ورود به خودرو و بازرسی آن را دارد. چنین برداشتی از تبصره مذکور به چند دلیل درست نیست.

۱. هاشمی، سیدمحمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۱، ص. ۲۸۵.
۲. ماده ۵۷۰: «هریک از مقامات و مأمورین دولتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»
۳. ماده ۶ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر: «هیچ شخص یا گروهی حق ندارد به عنوان امر به معروف و نهی از منکر به اعمال مجرمانه از قبیل توهین، افتراء، ضرب، جرح و قتل مبادرت نماید. مرتکب طبق قانون مجازات اسلامی، مجازات می‌شود.»
۴. سایت خبری تابناک، ۹۲/۱۱/۷ کد خبر: ۳۷۴۳۶۰ قابل دسترسی در نشانی:

نخست اینکه با تدقیق در مواد ۱، ۳، ۵^۱ و عنوان قانون مزبور، مشخص می‌شود هدف از وضع این قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر و توصیف وضعیت‌ها و شرایطی است که مطابق آن افراد موظف به رعایت موازین شرعی هستند و متقابلاً سایر اشخاص در صورتی مجاز به امر به معروف و نهی از منکر هستند که آن موازین نقض شده باشد. لذا این قانون در مقام وضع شرایط مربوط به ورود به حریم خصوصی خودرو اشخاص و بازرسی آن نیست.

دوم اینکه چنین برداشتی با ماده چهار آن قانون در تعارض است، زیرا این ماده مقرر داشته است: «مراتب امر به معروف و نهی از منکر، قلبی، زبانی، نوشتاری و عملی است که مراتب زبانی و نوشتاری آن وظیفه آحاد مردم و دولت است و مرتبه عملی آن در موارد و حدودی که قوانین مقرر کرده تنها وظیفه دولت است». از آنجا که ورود به فضاهای موصوف اقدامی عملی است، تردیدی نیست که اشخاص عادی مجاز به انجام چنین اقداماتی در راستای امر به معروف یا نهی از منکر نیستند. در مورد کارمندان دولت که در اینجا در معنای عام آن به کار رفته و شامل کارمندان قوه قضاییه و نیروهای نظامی یا انتظامی هم می‌شود، این ماده تصریح داشته که هر گونه اقدام عملی باید در چارچوب سایر قوانین صورت پذیرد؛ بنابراین اقدامات عملی آنها محدود به سایر شرایط قانونی است که در مطالب پیش رو بدان خواهیم پرداخت. از این رو تبصره ماده ۵ قانون مزبور هیچ‌گونه اختیار جدیدی بیش از آنچه در سایر مقررات است را برای ورود به فضای حریم خصوصی خودرو اشخاص وضع نکرده است.

سوم اینکه بر اساس مواد ۳ و ۵ قانون مذکور فضاها و موقعیت‌هایی که اشخاص در آن قرار می‌گیرند، به طور کلی به دو دسته تقسیم شده است: ۱- فضاهایی که حریم خصوصی محسوب می‌شوند و در صورت بروز رفتار خلاف شرع، مستند به ماده ۵ قانون پیش گفته کسی مجاز به مداخله در آن تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر نیست. ۲- فضاهایی که حریم خصوصی محسوب نمی‌شوند و در صورت بروز رفتار خلاف شرع در آن فضاها، اشخاص دیگر می‌توانند اقدام به امر به معروف و نهی از منکر نسبت به رفتار انجام شده کنند. بنابراین معیار حریم خصوصی در این دسته‌بندی در معرض دید عموم بودن است و منظور مقنن از حریم خصوصی تلقی نکردن فضاهای در

۱. ماده ۱: «در این قانون، معروف و منکر عبارتند از هرگونه فعل، قول و یا ترک فعل و قولی که به عنوان احکام اولی و یا ثانوی در شرع مقدس و یا قوانین، مورد امر قرار گرفته و یا منع شده باشد.»

۲. ماده ۳: «امر به معروف و نهی از منکر در این قانون ناظر به رفتاری است که علنی بوده و بدون تجسس مشخص باشد.»

۳. ماده ۵: «در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نمی‌توان متعرض حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص گردید، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.»

معرض دید، این است که افراد مستقر در چنین فضاهایی نمی‌توانند به این بهانه که این فضاها، فضای شخصی است، دست به انجام رفتارهای خلاف شرع یا عفت عمومی بزنند. بر این اساس افراد حاضر در این فضاها ملزم به رعایت موازینی هستند که در اماکن و معابر عمومی باید رعایت کنند. موازینی از قبیل حفظ حجاب و خودداری از انجام اعمال منافی عفت. لذا حریم خصوصی محسوب نشدن چنین فضاهایی از حیث رعایت شرع است نه مجوز ورود پلیس یا سایر اشخاص به این مکان‌ها.

البته می‌توان از زاویه‌ای دیگر هم به تبصره ماده ۵ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر پرداخت. بر اساس تعریفی که در بند «ب» ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات ارائه شده فضاهای مختلف از چند حیث دارای حق حریم خصوصی هستند. از یک حیث اشخاص حق نظاره کردن آن فضاها را ندارند و از بعدی دیگر افراد حق ورود یا دسترسی و تسلط بر آن فضاها را ندارند. شاید بتوان گزاره مندرج در این تبصره را با توجه به این آیین‌نامه تفسیر کرد و بر این نظر بود که مقنن این فضاها را از حیث نظاره کردن، فضای خصوصی ندانسته نه از حیث ورود اشخاص دیگر. موضوع قابل توجه دیگر در خصوص عدم تأثیر قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر بر دامنه حریم خصوصی خودرو این است که مطابق ماده یک این قانون: «معروف و منکر عبارتند از هر گونه فعل، قول و یا ترک فعل و قولی که به عنوان احکام اولی و یا ثانوی در شرع مقدس و یا قوانین، مورد امر قرار گرفته و یا منع شده باشد.» لذا موضوع امر به معروف و نهی از منکر هر فعل یا ترک فعلی است که شرعاً و قانوناً منع یا الزام شده است، اعم از اینکه چنین افعال یا ترک فعل‌هایی جرم باشند یا نباشند. از این رو اگر رفتاری گناه یا منکر باشد و جرم مشهود هم باشد، مانند اینکه افراد در داخل قسمت‌های در معرض دید خودرو مشروبات الکلی مصرف کنند، پلیس طبق قوانین و مقرراتی که در مباحث آتی بدان خواهیم پرداخت و در صورت وجود شرایط قانونی حق ورود به فضای داخل خودرو را خواهد داشت. ولی اگر شخص در همان مکان اقدام به رفتاری نماید که گناه است ولی جرم نیست، پلیس مجاز به اعمال مقررات حاکم بر جرایم مشهود و ورود به خودرو و بازرسی آن نیست. در همین ارتباط ممکن است این شائبه پیش آید که در مواردی که عملی غیر شرعی و حرام ارتکاب یافته ولی آن عمل جرم نیست باز هم مأموران دولتی از جمله نیروهای پلیس، طبق ماده چهار این قانون^۱ مجاز به اقدام عملی از جمله ورود به خودرو و بازرسی آن هستند. این نظر

۱. ماده ۴: «مراتب امر به معروف و نهی از منکر، قلبی، زبانی، نوشتاری و عملی است که مراتب زبانی و نوشتاری آن وظیفه آحاد مردم و دولت است و مرتبه عملی آن در موارد و حدودی که قوانین مقرر کرده تنها وظیفه دولت است.»

به چند دلیل مردود است. نخست اینکه طبق عبارت «مرتب‌به عملی آن در موارد و حدودی که قوانین مقرر کرده تنها وظیفه دولت است»، مندرج در همان ماده، اقدامات عملی از جمله ورود و بازرسی در صورتی مجاز است که قوانین و مقررات اجازه آن را داده باشند؛ اما چنین مجوزی در هیچ قانونی صادر نشده است. دوم اینکه طبق ماده ۶ همان قانون در تمام وضعیت‌ها اعم از اینکه حریم خصوصی باشند یا نباشند، هیچ کس نمی‌تواند به عنوان امر به معروف و نهی از منکر مرتکب اعمال مجرمانه شود. مضافاً اینکه بنا به تفسیر لفظی ماده مزبور، بازرسی خودرو عرفاً و منطقیاً نمی‌تواند مصداق اعمالی باشد که برای امر به معروف یا نهی از منکر لازم به حساب می‌آید.

در پایان این مبحث باید به این امر توجه کنیم که حتی به فرض اینکه ما حریم خصوصی نبودن فضاهای در معرض دید عموم خودرو را به معنای آن بدانیم که پلیس حق ورود و بازرسی آن فضاها را دارد، باز هم این امر کمکی به تحقق اهداف پلیس در راستای ایجاد نظم و پیشگیری از وقوع جرایم نمی‌کند، چراکه این مقرر به هیچ روی مجوزی برای ورود و تفتیش قسمت‌هایی از خودرو که در معرض دید عموم نیستند را ارائه نمی‌دهد. این در حالی است که مجرمان غالباً مواد و ابزارهای مجرمانه اعم از سلاح، مواد منفجره، مواد مخدر و مشروبات الکلی را در فضاهایی از خودرو که در معرض دید عموم نیست، مخفی می‌کنند.

۲. تمایز جرایم مشهود و غیر مشهود در تعامل پلیس با حریم خصوصی خودروها

در خصوص اینکه پلیس در برخورد با جرایم و به تبع آن تعامل با حریم خصوصی شهروندان دارای چه اختیارات و وظایفی است، ماده ۴۴ ق.آ.د.ک. قائل به تفکیک بین جرایم مشهود و غیر مشهود شده است. مطابق این ماده ضابطان دادگستری در جرایم غیر مشهود صرفاً ملزم به اعلام مراتب وقوع جرم به دادستان هستند و بدون وجود دستورات قضایی، مجاز به انجام هیچ گونه اقدامی نیستند، اما در جرایم مشهود مکلف به انجام «تمام اقدامات لازم» برای حفظ آلات، ادوات، آثار، علائم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی، هستند. این اقدامات شامل ورود به خودرو و بازرسی آن نیز می‌شود. زیرا اطلاق عبارت «تمام اقدامات» مندرج در ماده ۴۴ چنین اقداماتی را نیز در بر می‌گیرد. دلیل دیگر اینکه ماده ۵۵ ق.آ.د.ک. مقرر می‌دارد: «ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها و بازرسی اشخاص و اشیاء در جرایم غیرمشهود با اجازه موردی مقام قضایی است، هر چند وی اجرای تحقیقات را به طور کلی به ضابط ارجاع داده باشد». از مفهوم مخالف این مقرر چنین استنباط می‌شود که در جرایم

مشهود ورود به خودرو و تفتیش آن نیاز به اجازه مقام قضایی ندارد. از سوی دیگر ضرورت حفظ نظم و امنیت عمومی و حقوق اشخاص بزه‌دیده اقتضا دارد پلیس در مورد جرایم مشهود مهم حق ورود به حریم خصوصی اشخاص را داشته باشد. به عبارت دیگر هر چند حریم خصوصی و ضرورت پاسداشت آن یکی از ضروریات زندگی اجتماعی است، اما حفظ نظم عمومی جامعه ایجاب می‌کند، ضابطان قضایی در جرایم مشهود مهم از اختیارات لازم در ارتباط با بازرسی خودرو برخوردار باشند؛ بنابراین پلیس در صورت رعایت شرایط مندرج در ماده ۴۴ ق.آ.د.ک. و سایر مقررات حاکم بر ورود به خودروی اشخاص در جرایم مشهود، مجاز به ورود به خودرو و بازرسی آن بدون اذن راننده یا سرنشین خودرو، خواهد بود.

بر اساس ماده ۴۴ ق.آ.د.ک. اقدامات پلیس در جرایم مشهود و بدون دستور قضایی، در صورتی قانونی است که سه شرط رعایت شود. نخست اینکه این اقدامات باید به منظور دستیابی به اهداف مصرح در ماده موصوف انجام شود. دوم اینکه انجام این اقدامات «لازم» یا به عبارت دیگر ضروری باشد؛ بنابراین تفتیش در مورد هر جرم مشهودی توجیه قانونی ندارد. برای مثال در جرایمی مانند بی‌حجابی یا اعمال منافعی عفت در خودرو که ارتکاب آنها ملازمه‌ای با حمل اشیاء مجرمانه و وسایل ارتکاب جرم ندارد، تفتیش بدنی و تفتیش خودرو بر خلاف قانون خواهد بود. تصریح مقنن به «اقدامات لازم» به نحو ضمنی اشاره به قاعده الاسهل فالاسهل نیز دارد؛ لذا اگر دستیابی به آن اهداف با اقداماتی خفیف‌تر امکان پذیر باشد، باید نخست اقدامی که کمترین خسارت و ضرر را ایجاد می‌کند، انجام شود. از طرف دیگر وجود قید «لزوم» بیانگر این است که انجام اقدامات مذکور در جرایم مشهود باید فوریت داشته باشد. از همین رو اگر وضعیت به گونه‌ای باشد که انجام اقدامات فوریت نداشته و زمان و فرصت کافی برای ورود مقامات قضایی وجود داشته باشد، ضابطان مجاز به انجام اقدامات تعقیبی و تحقیقی به ویژه تفتیش، بازرسی و ورود به فضاهای خصوصی اشخاص نیستند. سوم اینکه تمامی اقدامات انجام شده باید در صورت جلسه قید و بلافاصله به اطلاع دادستان برسد. الزام اخیر با توجه به اینکه ضابطان دادگستری بر اساس مواد ۲۸ و ۳۲ ق.آ.د.ک. تحت نظارت مقامات قضایی انجام وظیفه می‌نمایند، نظارت بر ضابطان را تسهیل نموده و اقدامی مؤثر در جهت کشف یا پیشگیری از تخلفات به شمار می‌آید. البته در بسیاری از جرایم مشهود خرد و کم‌اهمیت ورود ضابطان به حریم خصوصی خودروی اشخاص بدون دستور قضایی، منطقی و متناسب نیست. بنابراین شایسته است مقنن در این خصوص بین جرایم مهم و کم‌اهمیت قائل به تفکیک شود، زیرا می‌توان با برشمردن جرایم مهم مشهودی که ورود به خودروی اشخاص، بدون

دستور قضایی در مورد آنها مجاز و منطقی است و تشریح ضوابط و قوانین حاکم بر آن، ضمن ایجاد امنیت، از حقوق شهروندان نیز صیانت نمود. ممنوعیت ورود به خودرو در جرایم کم‌اهمیت به نحو ضمنی از ماده ۱۳۹ ق.آ.د.ک. قابل استنباط است. مطابق این ماده: «چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص در تزاخم باشد، در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهم‌تر باشد». هر چند این ماده به نوعی بیانگر لزوم تناسب بین دلیل ورود به خودرو یا تفتیش آن با حقوق اشخاص است، ولی از آنجا که این ماده کلی و مبهم است و موارد مهم را برنشمرد، خلأ قانونی موجود را پر نمی‌کند.

علاوه بر جرایم کم‌اهمیت، در جرایم منافی عفت بدون شاکی خصوصی یا غیر سازمان‌یافته نیز محدودیت‌هایی برای تفتیش و بازرسی در شرع و قانون پیش‌بینی شده است. سیاست جنایی اسلام در خصوص این جرایم مبتنی بر بزه‌پوشی است. بر همین اساس نه تنها بر اثبات جرم تأکید نمی‌شود، بلکه تلاش می‌شود مجرم از اقرار صرف‌نظر کند و به سمت توبه هدایت شود.^۱ ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک. نیز به تبعیت از این سیاست جنایی وضع شده است.

در ارتباط با جرایم مشهود، موازین منطقی دیگری برای حمایت از حق حریم خصوصی وسایل نقلیه قابل پیش‌بینی است. برای مثال، در بریتانیا مطابق قانون ادله کیفری و پلیس مصوب ۱۹۸۴^۲ افسر پلیس صرفاً در صورتی می‌تواند بدون حکم قضایی وسیله نقلیه، خانه و محل کسب را بازرسی نمایند که از درجه نظامی معینی برخوردار باشد و نیروهای پلیس با درجه نظامی پایین مجاز به چنین اقداماتی نیستند. راهکار دیگری که می‌توان به وسیله آن از نقض غیر قانونی حریم خصوصی شهروندان پیشگیری کرد، بی‌اعتبار نمودن ادله‌ای است که از این طریق بدست آمده است. ایالات متحده آمریکا در این زمینه مقررات منسجم و کارایی دارد. اصلاحیه‌های سوم و چهارم قانون اساسی ایالات متحده آمریکا صراحتاً بر بی‌اعتباری ادله‌ای که از طرق غیر قانونی تحصیل شده‌اند، تأکید کرده است.^۳

۳. شرایط ورود پلیس به حریم خصوصی خودرو و بازرسی آن

هر چند ورود پلیس به حریم خصوصی خودرو اشخاص و بازرسی آن در جرایم مشهود و جرایم غیر مشهود با دستور موردی قضایی مجاز است، اما این اقدامات تابع شرایط و موازین متعدد قانونی است. در این قسمت ذکر این مطلب ضروری است که در

۱. قیاسی، جلال‌الدین، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی، چاپ دوم، جلد اول، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶، ص. ۳۴۰.

2. Police and Criminal Evidence Act 1984 (PACE)

3. Solove, Daniel, Understanding Privacy, Cambridge, Harvard University Press, 2008, pp. 3-4.

تمام مواردی که مقنن، مقام قضایی را مکلف به رعایت ترتیبات خاصی در خصوص ورود و بازرسی خودرو یا منازل و اماکن نموده، رعایت این ترتیبات به طریق اولی توسط ضابطان در جرایم مشهود و جرایم غیر مشهودی که ضابطان به تبعیت از دستورات قضایی انجام می‌دهند نیز ضروری است.

ماده ۱۳۷ ق.آ.د.ک.^۱ شرایط ویژه‌ای را برای تفتیش، بازرسی و ورود به خودرو وضع نموده است. این ماده مقرر می‌دارد: «تفتیش و بازرسی منازل، اماکن بسته و تعطیل و همچنین تفتیش و بازرسی اشیاء^۲ در مواردی که حسب قرائن و امارات، ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله وقوع جرم در آن وجود دارد، با دستور بازپرس و با قید جهات ظن قوی در پرونده، انجام می‌شود». از این ماده چند مقرر و الزام قانونی قابل استنباط است.

نخست اینکه لازم است ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و دلایل جرم، به موجب دلایل، ایجاد شده باشد؛ لذا وجود عینی و خارجی دلایل و قابلیت اثبات آنها توسط مقام تصمیم‌گیرنده ضروری است. در همین ارتباط مرحوم نراقی اظهار داشته اند: «پس اگر کسی گمان برد که شخصی در خانه^۳ مشغول معصیتی است، اما یقین نداشته باشد، نمی‌تواند داخل آنجا شود و نباید در صدد تحقیق آن برآید و همچنین جایز نیست گوش فرا داشتن، تا معلوم شود که صدایی که می‌آید معصیت است یا نه؛ یا بوییدن دهان، به جهت آنکه معلوم کنی شراب خورده است یا نه؛ خلاصه آنکه تا علم حاصل نشود، تفحص و تجسس نمودن جایز نیست».^۴

دوم اینکه مطابق متن ماده موصوف که مقرر داشته «ظن قوی^۵ وجود داشته باشد» تردیدی نیست که وجود احتمال زیاد یا ظن قوی بر کشف موارد مذکور، ضابطه

۱. این ماده جایگزین ماده ۹۶ قانون قدیم مصوب ۱۳۸۷ گردیده است که مقرر می‌داشت: «تفتیش و بازرسی منازل، اماکن و اشیاء در مواردی که عمل می‌آید که حسب دلایل، ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم، در آن محل وجود داشته باشد».

۲. ظاهر عبارت «و همچنین تفتیش و بازرسی اشیاء» در این ماده گویای این است که مصادیق اشیاء در این عبارت صرفاً معطوف به اشیاء موجود در اماکن و منازل نیست و اعم از اشیایی است که در منازل و اماکن و یا سایر فضاها از جمله خودرو وجود دارد. واژه اشیاء در ماده ۹۶ قانون قدیم مصوب ۱۳۸۷ صراحتاً به صورت مستقل قید شده بود و ابهامی در این باره وجود نداشت.

۳. به نظر می‌رسد محل ارتکاب معصیت خصوصیتی در حکم صادره نداشته باشد و این نظر در مورد فضاها یا خصوصی دیگر نیز قابل تسری باشد.

۴. نراقی، احمد، معراج السعاده، قم، هجرت، ۱۳۸۵ق، ص. ۵۰۱. به نقل از: افشار، لیلا؛ نعمتی، علی، «حریم خصوصی در پژوهش‌های معطوف به انسان بر مبنای آموزه‌های اسلامی»، راهبرد فرهنگ، شماره ۸ و ۹، (زمستان ۱۳۸۸ و بهار ۱۳۸۹، ص. ۶۵).

۵. وضع ضابطه «ظن قوی» در قیاس با مقررات مربوط به همین موضوع در حقوق آمریکا و انگلیس که ضابطه «دلیل محتمل» و «معقول بودن» را به کار برده‌اند (صالحی، جواد، «حمایت کیفری از امنیت حریم

و امری نوعی است، زیرا اگر مقنن قصد وضع ضابطه‌ای شخصی داشت، برای مثال اشعار می‌داشت: «هر گاه قاضی یا ضابط قضایی تصمیم‌گیرنده ظن قوی به کشف متهم داشته باشد»؛ بنابراین از آنجا که مفهوم و منطوق این ماده نشانگر قاعده‌ای نوعی است، وضعیت باید به گونه‌ای باشد که هر قاضی یا پلیس متعارفی با توجه به دلایل و شواهد عینی موجود، به ظن قوی مبنی بر کشف موارد مذکور در خودرو دست یابد. از این رو در مواردی که بنا به دلایل، وجود ظن قوی امری متعارف نباشد، صرف اثبات اینکه مقام تصمیم‌گیرنده در ذهن خود چنین می‌پنداشته^۱ که احتمال کشف موارد موصوف زیاد است، توجیه‌کننده اقدام وی محسوب نمی‌شود.

تغییر مهم ماده ۱۳۷ قانون جدید نسبت به ماده ۹۶ قانون قدیم، لزوم «قید جهات ظن قوی در پرونده» است. این الزام قادر به پیشگیری از بسیاری از تفسیرهای شخصی و خلاف قانون است. مضافاً اینکه با عنایت به مواد ۵۵ و ۱۳۷ قانون جدید مشخص می‌شود، این مواد شرایط و مقررات مربوط به تفتیش منازل و اماکن را در خصوص اشیاء نیز لازم الاجرا دانسته و از این حیث ماده مزبور در خصوص خودرو نیز لازم‌الرعایه است.

قانون آیین دادرسی کیفری در فصل پنجم با عنوان «معاینه محل، تحقیق محلی، بازرسی و کارشناسی» علاوه بر موارد فوق الذکر، در مواد ۱۴۵ و ۱۴۶ ضوابط و مقررات دیگری را در خصوص نحوه ورود، تفتیش و بازرسی خودرو تعیین نموده است. ماده ۱۴۵ در ارتباط با شرایط و چگونگی استفاده از قوای قهریه یا زور جهت ورود به خودرو و بازرسی آن مقرر می‌دارد:

«در صورتی که متصرف منزل و مکان و یا اشیاء مورد بازرسی، از باز کردن محل‌ها و اشیاء بسته خودداری کند، بازپرس می‌تواند دستور بازگشایی آنها را بدهد، اما تا حد امکان باید از اقداماتی که موجب ورود خسارت می‌گردد، خودداری شود.

تبصره - در صورتی که در اجرای این ماده، خسارت مادی وارد شود و به موجب تصمیم قطعی، قرار منع یا موقوفی تعقیب و یا حکم برائت صادر شود، همچنین در مواردی که امتناع‌کننده شخص مجرم نباشد، حتی اگر موضوع به صدور قرار مجرمیت یا محکومیت متهم منجر شود، دولت مسئول جبران خسارت است، مگر آن که تقصیر بازپرس یا سایر مأموران محرز شود که در این صورت، دولت جبران خسارت می‌کند و به بازپرس و یا مأموران مقصر مراجعه می‌نماید.»

← خصوصی در پرتو حاکمیت قانون»، حقوق جزا و جرم‌شناسی، سال اول، شماره ۲، ۱۳۹۱، ص. ۴۳، تأثیر بیشتری در حفظ حقوق شهروندان ایران دارد و از این حیث نقطه قوت قوانین ما محسوب می‌شود.
۱. تحقق شرط «ظن قوی» با معیار شخصی.

در ارتباط با این ماده توجه به چند نکته ضروری است. نخست اینکه هر چند در صدر ماده به «بازپرس» اشاره شده و ذکری از ضابطان به میان نیامده ولی از عبارت «یا سایر مأموران» قیدشده در تبصره ماده ۱۴۵ ق.آ.د.ک. و اطلاق عبارت «کلیه اقدامات لازم» مندرج در ماده ۴۴ همان قانون، چنین استنباط می‌شود که در جرایم مشهود اختیار استفاده از قوای قهریه به ضابطان دادگستری نیز اعطا شده است. دوم اینکه فحوای کلام مقنن در این ماده و اشاره آن به امتناع متصرف نسبت به باز کردن محل‌ها و اشیاء، دستور بازگشایی و ایراد حداقل خسارت ممکن نشان‌دهنده تجویز استفاده از قوای قهریه در بازگشایی محل‌ها و اشیاء است. نکته سوم این است که این ماده استفاده از قوای قهریه را منوط به امتناع متصرف نموده است و امتناع متصرف زمانی معنا پیدا می‌کند که در وحله اول از متصرف درخواست شده باشد که خودش اقدام به باز کردن محل یا شیء بسته نماید. بنابراین بازپرس یا ضابطان مکلفند ابتداً از متصرف بخواهند تا خودش اقدام به بازگشایی خودرو نماید و صرفاً در صورت امتناع و مقاومت وی مجاز به توسل به زور هستند. چهارم اینکه هر چند در صورت امتناع متصرف خودرو نسبت به بازگشایی خودرو در جرایم مشهود، ضابطان دادگستری مجاز به توسل به زور و باز نمودن خودرو هستند، «اما تا حد امکان باید از اقداماتی که موجب ورود خسارت می‌گردد، خودداری شود». در همین ارتباط رعایت ماده ۱۳۹ ق.آ.د.ک. نیز لازم است. طبق این ماده: «چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص در تزامن باشد، در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهم‌تر باشد». لذا توسل به قوای قهریه در جرایم خرد و کم اهمیت قانونی نخواهد بود. نکته آخر در خصوص ماده ۱۴۵ این است که مطابق تبصره ماده مزبور در صورت اثبات تقصیر^۱ ضابطان در ایراد خسارت به اشخاص بی‌گناه، دولت می‌تواند پس از جبران خسارت به ضابطان مقصر رجوع نماید.

ماده ۱۴۶ این قانون ضابطان را از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکان‌های غیرمرتبط با موضوع منع نموده است. همچنین طبق این مقرره «بازپرس مکلف است در مورد سایر نوشته‌ها و اشیاء متعلق به متهم با احتیاط رفتار کند، موجب افشاء مضمون و محتوای غیرمرتبط آنها با جرم نشود. در غیر این صورت وی به جرم افشاء اسرار محکوم می‌شود». این مقرره کلی است و باید در تمام بازرسی‌ها اعم از بازرسی منزل و خودرو رعایت شود. در همین ارتباط ماده ۵۶ مقرر نموده «ضابطان دادگستری مکلفند طبق مجوز صادره عمل نمایند و از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکان‌های غیرمرتبط با موضوع خودداری کنند».

۱. یک از مصادیق بارز تقصیر، توسل به زور قبل از درخواست بازگشایی از متصرف است، مگر اینکه چنین اقدام سریعی برای دستیابی به اهداف تعقیب و تحقیق ضرورت داشته باشد.

۴. به‌کارگیری فناوری‌های نوین و تعارض آن با حق حریم خصوصی خودرو

در عصر حاضر، تکنولوژی‌های نوین از قبیل دستگاه‌های ردیاب (دستگاه جی پی اس)، نظارتی و شنود، سیستم‌های رایانه‌ای ذخیره‌کننده اطلاعات مربوط به اشخاص یا شناسایی اشخاص، و سایر علوم نوین جرم‌یابی به پلیس کمک کرده تا به موفقیت‌های چشمگیری در زمینه‌های کشف جرم و ادله مربوط به آن دست‌یابد.^۱ پلیس در کشورهای مختلف برای پیشگیری^۲ از جرایم و مبارزه با آن از فناوری‌های پیشرفته اطلاعات و ارتباطات که بارزترین آنها دستگاه‌های ردیاب، دوربین‌های مداربسته و نرم‌افزارهای کنترل شبکه‌ای است، استفاده می‌کند. بهره‌گیری فراوان پلیس از ابزارهای الکترونیک در دو دهه اخیر به حدی بوده که موجب طرح اصطلاح «پلیس الکترونیک» توسط بسیاری از کشورها شده است.^۳ هر چند به کارگیری این ابزارها نقش مؤثری در انجام بهتر اقدامات تعقیبی و تحقیقی دارد اما استفاده غیر قانونی و افراطی پلیس از این ابزارها قادر به ایجاد خطرات قابل اعتنایی علیه حق حریم خصوصی اشخاص است.^۴ مضافاً اینکه منابع شرعی نیز قائل به حرمت انجام غیر قانونی چنین اقداماتی است.^۵ با این وجود در ایران مقنن آن‌گونه که بایسته است به این حوزه ورود نیافته و یکی از خلأهای اساسی قوانین و مقررات فعلی، چگونگی استفاده پلیس و مقامات قضایی از این ابزارها در حریم خصوصی خودرو اشخاص است.

در حال حاضر قوانین ایران صراحتاً در خصوص ممنوعیت استفاده از چنین فناوری‌هایی تعیین تکلیف ننموده‌اند.^۶ البته شورای عالی قضایی طی بخشنامه مورخ

۱. رضوی، محمد؛ خزایی، سیدعلی، «حقوق شهروندی در فرآیند کشف جرم»، دانش انتظامی، شماره ۳۶، ۱۳۸۶، ص. ۹۴.

۲. در ارتباط با تراحم راهکارهای پیشگیری وضعی با حریم خصوصی اشخاص، بنگرید به: کوسن، موریس، «نظارت ویدئویی: دلایل موفقیت و شکست»، ترجمه شهرام ابراهیمی، فصلنامه الهیات و حقوق، شماره ۱۵ و ۱۶، سال ۵، ۱۳۸۴، صص. ۳۴۰-۳۲۳؛ صوفی زمر، محسن، «نقض حریم خصوصی و چالش‌های پیشگیرانه فراروی پلیس در نظارت ویدئویی»، مطالعات پیشگیری از جرم، سال ششم، شماره ۲۱، ۱۳۹۰، صص. ۶۸-۳۹.

۳. وفادار، حسین، «فناوری اطلاعات و تأثیرات آن در رفتار سازمانی پلیس»، دانش انتظامی، شماره ۳۵، ۱۳۸۶، ص. ۷۷.

4. Richmond, Sarah; Grait, Rees; Edwards, Sarah, I Know What you are Thinking: Brain Imaging and Mental Privacy, Nova Science Publishers Inc, New York, 2012, p. 186.

به نقل از: آقابابایی، حسین؛ احمدی ناطور، زهرا، «فناوری دروغ سنجی؛ تهدیدی بر علیه حریم خصوصی»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال سوم، شماره ۶، ۱۳۹۱، ص. ۱۸.

۵. برای مطالعه بیشتر در خصوص روایات دال بر ممنوعیت استراق سمع بنگرید به: (عطازاده، سعید؛ و دیگران، «تجسس در حریم خصوصی مکانی اشخاص با رویکرد امنیت اخلاقی»، پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، سال دهم، شماره چهارم، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۱) و (بجنوردی، السید محمد حسن، قواعد الفقهیه، تهران، نشر الهادی، ۱۴۱۹ ق، ص. ۲۱۱) و در ارتباط با منابع شرعی دال بر حرمت استراق بصر نیز بنگرید به: (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، جلد ۱۰۴، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق، ص. ۵).

۶. موضوع ممنوعیت استفاده از چنین روش‌هایی در فرآیند کیفری در تبصره ۲ ماده ۲۸ طرح حمایت از حریم خصوصی پیش‌بینی شده بود. این تبصره اشعار می‌داشت: «جمع‌آوری اطلاعات شخصی باید تا آنجا که

۱۰/۶/۱۳۶۵ مستند به فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (ره) و اصل ۲۵ ق.ا. به جرم بودن استفاده از هر گونه وسایل شنود و افشای آن تصریح داشته و به کارگیری چنین ابزارهایی در جرایم علیه امنیت ملی را صرفاً در صورت ضرورت و با حکم قضایی و رعایت موازین شرعی و قانونی جایز دانسته است.

بنابراین هر چند به کارگیری این ابزارها تأثیر زیادی در کشف جرایم و ادله مربوط به آن دارد، در صورت فقدان دستور قضایی موردی، پلیس مجاز به استفاده از چنین ابزارهایی در فضاهای خصوصی نیست. در این ارتباط دادگاه اروپایی حقوق بشر بر اساس مواد کلی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، در آراء خود شرایط خاصی را برای عکسبرداری پلیس از فضاهایی که حریم خصوصی به شمار می‌آیند، احصاء نموده است.^۱ به پیروی از این آراء، قوانین ویژه‌ای در خصوص عکس برداری پلیس از حریم خصوصی اشخاص در برخی از کشورهای اروپایی به تصویب رسیده است.^۲

در کشور آمریکا نیز ادله حاصل از نقض غیر قانونی حریم خصوصی خودرو با استفاده از دستگاه ردیاب (جی پی اس) بی اعتبار قلمداد می‌شود. در یک مورد، مشهور به پرونده آنتونی جونز،^۳ پلیس بدون اخذ مجوز از دادگاه تردهای متهم را به وسیله دستگاه ردیاب تحت نظر قرار داد و با استناد به داده‌های این دستگاه توانست متهم را در دادگاه بدوی محکوم به حمل و توزیع مواد مخدر نماید. اما دادگاه تجدیدنظر و دیوان عالی آمریکا ادله مذکور را به این دلیل که با نقض غیر قانونی حریم خصوصی خودرو متهم به دست آمده بود، معتبر به حساب نیاورد و متهم را تبرئه نمود.^۴

نکته دیگر اینکه به دلیل حساسیت شغلی برخی افراد، لازم است تشریفات متفاوتی، برای بازرسی خودروی شخصی یا کاری آنها، پیش‌بینی شود. در مقررات بعضی از کشورها چنین مزیتی برای بازرسی از محل سکونت و دفتر کار برخی اشخاص پیش‌بینی شده است. برای نمونه ماده ۱۳۸ ق.ا.د.ک. بازرسی مسکن و محل کار مقامات دولتی، نظامی و افرادی که مرتکب جرایم سیاسی یا مطبوعاتی شده باشند را منوط به تأیید رییس کل دادگستری استان و حضور مقام قضایی در زمان بازرسی نموده است. در کشور فرانسه نیز بازرسی از محل کار صاحبان مشاغل خاص همانند

مقدور و معقول می‌باشد از خود اشخاص صورت گیرد و استفاده از وسایل و روش‌های غیر قانونی و غیرمتعارف در این امر ممنوع است.»

1. R (Catt) v Commissioner of Police of the Metropolis [2013] EWCA Civ 192 [7].

2. Mnookin, Jennifer, "The Image of Truth: Photographic Evidence and the Power of Analogy", Yale Journal of Law and Humanities, vol. 10, 1998, p. 12.

3. (United States V. Antony Jones, 2012).

۴. صالحی، جواد، «استفاده غیر مجاز پلیس از دستگاه ردیاب؛ جلوه‌ای از نقض حریم خصوصی در رویه قضایی دیوان عالی ایالات متحده و دستاوردهای آن»، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره ۸، ۱۳۹۳، ص. ۱۴۵.

مسکن یا دفتر و کلای دادگستری، مطب پزشکان و دفتر خبرنگاران مستلزم حضور قاضی و یک نفر از صنف شخص مورد نظر می‌باشد و در صورت عدم رعایت این تشریفات، ادله‌ای که از طریق چنین بازرسی‌هایی به دست می‌آید بی‌اعتبار قلمداد می‌شود.^۱ ولی در خصوص خودرو در قوانین ایران تشریفات متفاوتی برای بازرسی خودروی مقامات دولتی و صاحبان مشاغل خاص پیش‌بینی نشده است.

۵. ممنوعیت صدور دستور قضایی تفتیش خودرو به صورت کلی

در مورد اینکه آیا مقام قضایی مجاز به صدور دستور کلی توقیف و بازرسی خودروها است یا خیر، می‌توان به ماده ۵۵ ق.آ.د.ک. رجوع نمود. در این ماده مقرر شده است: «ورود به منازل، اماکن تعطیل و بسته و تفتیش آنها و بازرسی اشخاص و اشیاء در جرایم غیرمشهود با اجازه موردی مقام قضایی است». توجه به این امر ضروری است که «منظور از عبارت اجازه موردی، اجازه صریح مقام قضایی با ذکر نام متهم و یا ذکر نشانی مکان مورد نظر و یا مشخصات اشیایی است که باید تفتیش شود»؛^۲ لذا با توجه به این عبارت بدیهی است مقام قضایی در هر مورد صرفاً مجاز به صدور دستور مخصوص و موردی است نه دستور کلی در مورد اشخاص، منازل، اماکن یا خودروهای غیر معین. ماده ۵۶ قانون مزبور نیز مقرر نموده است: «ضابطان دادگستری مکلفند طبق مجوز صادره عمل نمایند و از بازرسی اشخاص، اشیاء و مکان‌های غیرمرتبط با موضوع خودداری کنند».

در این ارتباط اداره کل حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی ۷/۷۷۴۷ مورخ ۱۳۷۹/۹/۱۷ اعلام نموده است: «با توجه به تصریح ماده ۲۴ ق.آ.د.ک. ۱۳۷۸^۳ به اینکه تفتیش منازل و اشیاء و جلب اشخاص در جرایم غیر مشهود باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد و با توجه به اینکه اشیاء جمع شیء است و شیء هم شامل اتومبیل و غیر آن است، بازرسی خودروها در معابر، گلوگاه‌ها و در داخل شهر توسط نیروی نظامی و انتظامی احتیاج به اجازه مخصوص هر خودرو توسط مقام قضایی دارد».

از این رو با توجه به اینکه ماده ۵۵ ق.آ.د.ک. جدید جایگزین ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی قدیم شده، تفتیش و بازرسی خودروها بدون دستور قضایی مخصوص هر خودرو، در غیر موارد جرایم مشهود، مصداق بارز تخلف از ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۴ و جرم موضوع ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی است.

۱. مقدسی، محمدباقر، رویکرد حقوق بشری به وظایف و اختیارات پلیس در فرآیند کیفری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۶، ص. ۱۳۴.
 ۲. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ سی‌وسوم، تهران، انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۵، ص. ۸۴.
 ۳. ماده ۵۵ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲.

اما عملاً برخی مأمورین نیروی نظامی و انتظامی با استناد به بخشنامه‌ای که بازرسی از خودروها را بدون دستور قضایی تجویز می‌کرد، اقدام به بازرسی از خودروها بدون دستور قضایی می‌نمودند، تا اینکه این بخشنامه با طرح شکایت یکی از قضات در دیوان عدالت اداری مطرح شد و به موجب رأی شماره ۷۷ موضوع پرونده کلاسه ۴۰۸/۷۹ مورخ ۱۳۸۰/۵/۲۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با مضمون ذیل ابطال گردید: «بخشنامه اداره حقوقی و امور مجلس نیروی انتظامی مغایر منطوق صریح ماده مذکور^۱ و حکم مقنن در باب تکلیف ضابطان دادگستری به اطاعت از اوامر مقام قضایی و خارج از حدود اختیارات اداره مزبور در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود و به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می‌گردد».^۲

بنابراین هم از دیدگاه اداره حقوقی قوه قضاییه و دیوان عدالت اداری و هم مطابق آنچه از ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی سابق و ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری جدید، استنباط می‌شود، بازرسی خودرو بدون دستور قضایی موردی غیر قانونی است. با این وجود گشت‌های ایست و بازرسی کلی خودروها حتی بدون دستور قضایی، هنوز به کرات برگزار می‌شود و برخی مقامات نظامی بر این باورند که این اقدام قانونی است. برای نمونه برخی از رؤسای سازمان قضایی نیروهای مسلح استان‌ها در توجیه قانونی بودن گشت‌های ایست و بازرسی بدون دستور قضایی، اظهار داشته‌اند: «حقوق دانان انتظامی و وزارت کشور معتقد هستند حسب بند دال ماده ۱ قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور تبیین حدود و وظایف هر یک از سازمان‌ها و نهادها در رابطه با امنیت داخلی کشور در چارچوب وظایف قانونی آنها از اختیارات شورای امنیت کشور و شورای تأمین استان‌ها می‌باشد و اختیاراتی که از سوی شورای امنیت کشور در زمینه ایجاد ایست بازرسی به مأمورین انتظامی واگذار شده قانونی و امرآمر قانونی می‌باشد؛ چون بازرسی از وسایل نقلیه هدف اصلی ایجاد ایست و بازرسی و جزء لاینفک آن می‌باشد و لازمه ایجاد ایست و بازرسی، بازرسی از وسایل و اشیاء در ایست بازرسی است و بدون بازرسی از وسایل و اشیاء ایست و بازرسی معنا و مفهوم ندارد و موضوعیت خود را از دست می‌دهد و امری عبث محسوب می‌شود و کار عاقلانه‌ای نیست و اگر بازرسی را موکول به اجازه مخصوص مقامات قضایی بنماییم عملاً امر به محال کرده ایم، زیرا امکان اخذ اجازه برای همه وسایل نقلیه عبوری از ایست بازرسی ممکن و مقدور نمی‌باشد».^۳

۱. ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ و ۵۵ ق.آ.د.ک. ۱۳۹۲.

۲. قابل دسترسی در: <http://www.divan-edalat.ir>

۳. <http://www.imj.ir/portal/Home/ShowPage.aspx?Object=NEWS&ID>.

برخی از مؤلفان حقوقی نیز توقف و بازرسی کلی اتومبیل‌های اشخاص در ایست و بازرسی‌ها را در صورتی که مستند به مصوبات شورای امنیت کشور و یا شورای تأمین استان یا شهرستان باشد قانونی تلقی نموده‌اند.^۱ این در حالی است که بند دال ماده ۱ قانون مذکور مقرر داشته یکی از وظایف شورای امنیت عبارت است از «تبیین حدود و وظایف و اختیارات هریک از ارگان‌ها و نهادها در رابطه با امنیت داخلی کشور در چهارچوب وظایف قانونی آنها». تأکید این بند بر عبارت «در چهارچوب وظایف قانونی آنها» دلالت صریح بر این دارد که شورای امنیت قادر به تعیین وظایف و اختیاراتی خلاف قوانین و مقررات حاکم بر وظایف و اختیارات نهادها و ارگان‌های قضایی یا نظامی نیست. به علاوه اینکه بند (ج) ماده یک این قانون نیز تصریح نموده است که مشخص نمودن سیاست‌های عام امنیت داخلی کشور باید در چهارچوب قوانین مصوبه باشد. در همین راستا برخی از مقامات سازمان قضایی نیروهای مسلح با اتخاذ موضعی منطقی‌تر اظهار داشته‌اند: «تصمیمات شورای امنیت کشور بنابر تبصره ۲ ماده ۴ قانون وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور جنبه مشورتی برای وزیر کشور داشته و تصمیم‌گیری در امور بر عهده وزیر کشور گذاشته شده که خود یک مقام اجرایی است حق دخالت در امور قضایی را ندارد».^۲

مقررده دیگری که ممکن است مورد استناد موافقان ایست و بازرسی کلی خودروها قرار گیرد، بند ۳ اصل یکصد و هفتاد و ششم قانون اساسی است. این بند مقرر می‌دارد که یکی از وظایف شورای عالی امنیت ملی «بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی» است. تردیدی نیست که شورای عالی امنیت ملی می‌تواند با استفاده از اطلاق این بند در شرایط اضطراری و مواردی که احتمال بروز خطرات جدی علیه امنیت ملی وجود داشته باشد تصمیم به ایجاد ایستگاه‌های ایست و بازرسی کلی خودروها نماید، زیرا ایجاد این ایستگاه‌ها یکی از مصادیق امکانات مادی کشور است که می‌توان از آن برای مبارزه با خطرات و تهدیدهای داخلی و خارجی و پیشگیری از بروز چنین خطراتی استفاده نمود. البته با توجه به ماهیت و صلاحیت این شورا و عبارت «مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی» مندرج در بند مذکور مشخص است، تصمیمات شورای مذکور در شرایط اضطراری و مواردی که احتمال بروز خطرات جدی علیه امنیت ملی وجود داشته باشد، اتخاذ می‌شود. لذا اعتبار چنین مصوباتی تا زمانی است که وضعیت اضطراری و تهدیدات

۱. رجبی پور، محمود، «حقوق شهروندی و تفتیش و بازرسی خودروها بدون کسب اجازه مخصوص از مقام قضایی»، (بی‌تا)، ص. ۳، قابل دسترسی در: <http://www.hvm.ir/detailnews.aspx?id=42471>
 ۲. نصرافهانی (معاون وقت دادستان نظامی استان اصفهان)، سایت رسمی سازمان نیروهای مسلح، به نشانی: <http://www.imj.ir/portal/Home/ShowPage.aspx?Object=NEWS&ID>

داخلی و خارجی وجود داشته باشد و اجرای این مصوبات پس از پایان یافتن شرایط اضطراری و در شرایطی که کشور در وضعیت عادی است، توجیه قانونی ندارد، زیرا مطابق قانون اساسی، شورای عالی امنیت ملی قادر به اتخاذ تصمیم خارج از صلاحیت‌های مقرر قانونی خود نیست^۱ و در شرایطی که خطری علیه امنیت داخلی یا خارجی وجود ندارد، نمی‌تواند وظایف و اختیارات هریک از ارگان‌ها را بر خلاف مقررات آمره تعیین نماید. بنابراین در مواردی که کشور در شرایط عادی قرار دارد قوانین و مقررات آمره مصوب مجلس شورای اسلامی که اهم آنها در ارتباط با حریم خصوصی خودرو مواد ۵۵ و ۵۶ ق.آ.د.ک. است، لازم‌الاجرا است.

نتیجه اینکه در قوانین و مقررات موجود هیچ راهی برای تفتیش خودروها به صورت کلی و غیر موردی در شرایط غیر اضطراری پیش‌بینی نشده است. این در حالی است که ضرورت چنین تفتیش‌هایی در برخی موارد از قبیل پیشگیری از قاچاق مواد مخدر و اسلحه و خطر بروز اقدامات تروریستی،^۲ برای حفظ نظم و امنیت عمومی کشور غیر قابل انکار است. عدم پیش‌بینی چنین مقرره‌ای نه تنها کمکی به حفظ حریم خصوصی شهروندان نکرده و نخواهد کرد، بلکه توسل به این دلیل که تفتیش عمومی خودروها برای حفظ امنیت کشور لازم است، سبب ایجاد رویه‌ای سلیقه‌ای می‌شود که بر اساس آن برخی نهادهای نظامی و امنیتی بدون احراز ضرورت و اتخاذ تصمیم توسط مقامات قضایی، اقدام به ایجاد گشت‌های ایست و بازرسی عمومی خودروها می‌نمایند. در ارتباط با این معضل چند راهکار قابل اجرا است. یکی اینکه قضات ویژه ایست و بازرسی در گلوگاه‌ها و محل‌های ایست و بازرسی برای صدور دستور قضایی مستقر شوند و دیگر اینکه در قانون راهکارهایی برای مواقع اضطراری مانند مواقع بروز خطر اقدامات تروریستی و خرابکارانه یا قاچاق سلاح و مواد مخدر، پیش‌بینی شود که بر اساس آن قضات مجاز به صدور دستور کلی تفتیش خودروها در مکان و زمان معین با ذکر دلایل تفتیش و تشریفات آن باشند.

علاوه بر موارد گفته شده، وضع مقرراتی که تشریح‌کننده تشریفات ورود و بازرسی خودروی اشخاص باشد نیز ضروری است. برای مثال در کشور بریتانیا تشریفات خاصی برای بازرسی وسایل نقلیه پیش‌بینی شده است. در این کشور طبق قانون ادله کیفری و پلیس مصوب ۱۹۸۴^۳ افسر پلیس مکلف است پس از بازرسی خودروی بدون سرنشین،

۱. ملکوتی هاشجین، سیدحسین، «تأملی بر اصل خروج از اختیارات قانونی در دکترین حقوق اداری انگلیس و ایران»، حقوق اسلامی، شماره ۴۰، ۱۳۹۳، ص. ۱۸۴.

۲. برای مطالعه در خصوص تعامل اقدامات ضدتروریستی پلیس با حریم خصوصی شهروندان در قانون پاتریوت؛ ر.ک: آقابابایی، حسین، «لیبرالیسم، حریم خصوصی و قانون پاتریوت»، فصلنامه سیاست، دوره چهارم، شماره ۲، ۱۳۸۹.

3. Police and Criminal Evidence Act 1984 (PACE).

اخطاری را داخل وسیله نقلیه به جا گذارد. مگر اینکه انجام این کار باعث آسیب رساندن به وسیله نقلیه شود. در این اخطاریه باید مواردی از قبیل اینکه وسیله نقلیه مورد بازرسی قرار گرفته، نام پلیس بازرسی کننده و اداره پلیسی که مأمور در آنجا خدمت می‌کند و اینکه در صورت ایجاد خسارت حین بازرسی، مالک حق طرح درخواست جبران خسارت به اداره پلیس مربوطه را دارد، قید شود.^۱

1. Stone, Richard, "Exclusion of evidence Under Section 78 of the Police and Criminal Evidence Act: Practice, and Principle", 1995, Web Journal of Current Legal Issues, p 276, Available at: <http://webclinical.ac.uk/articles3/stone3.html>.

نتیجه‌گیری

در نظام حقوقی ایران، بسیاری از مصادیق حریم خصوصی به صورت غیر مستقیم و پراکنده مورد حمایت قرار گرفته، اما قانونی جامع در مورد حریم خصوصی وضع نشده است. از سوی دیگر قانونی که گویای تمام وظایف و اختیارات پلیس به ویژه اختیارات و مسئولیت‌های پلیس در تعامل با حق حریم خصوصی و سایر حقوق شهروندان باشد، وجود ندارد. از این رو وضع مقرراتی جامع در خصوص تعامل وظایف و اختیارات پلیس با حق حریم خصوصی خودرو و سایر حوزه‌های حریم خصوصی از قبیل حریم خصوصی منازل و اماکن شهروندان در قانون آیین دادرسی کیفری یا دو قانون مجزا در خصوص حریم خصوصی و اختیارات و وظایف پلیس بسیار ضروری است؛ زیرا از یک طرف با تصویب مقررات مربوط به حریم خصوصی، ماهیت، ابعاد و حد و مرز این حق مورد تعریف و حمایت قرار می‌گیرد و از طرف دیگر با وضع قوانین مربوط به اختیارات و وظایف پلیس، در تمام وضعیت‌های احتمالی اعم از اینکه به حق حریم خصوصی اشخاص مربوط باشد یا خیر، حیطة اختیارات و تکالیف مأموران پلیس تعیین می‌شود. بدیهی است وضع قوانینی که ابهامات موجود را برطرف نماید، منجر به انجام موفقیت‌آمیز مأموریت‌های پلیسی همزمان با حفظ حریم خصوصی افراد می‌شود.

به طور کلی در قوانین ایران در بسیاری از وضعیت‌ها برای پلیس اختیارات معقولی به منظور کشف جرم و تحقیقات مرتبط با آن در نظر گرفته شده است. این قوانین نسبتاً حمایت بالایی از حریم خصوصی خودرو شهروندان داشته‌اند، اما متأسفانه بنا به دلایل مختلف برخی از مقررات، مخصوصاً مواد قانونی مربوط به ورود و بازرسی خودروها به طور کامل توسط نیروهای پلیس به اجرا در نمی‌آید. به نظر می‌رسد که مهم‌ترین دلیل عدم اجرای موفقیت‌آمیز این قوانین، پیش‌بینی نشدن مقررات ویژه ورود و بازرسی خودروها در شرایطی است که احتمال بروز اقدامات تروریستی یا سایر اقدامات محل امنیت ملی در آن وجود دارد. برای نمونه، مقررات آیین دادرسی کیفری صدور دستور قضایی ورود و تفتیش خودروها به صورت کلی را اساساً ممنوع کرده است. چنین ممنوعیت گسترده‌ای نه تنها تأثیری در حفظ حریم خصوصی اشخاص در این زمینه ندارد، بلکه ممکن است باعث ایجاد توجیه برای برخی نیروهای پلیس و ایجاد رویه‌ای سلیقه‌ای شود که بر اساس آن نیروهای نظامی حتی گاهی بدون وجود احتمال اقدامات محل امنیت ملی اقدام به ورود و بازرسی خودروها بدون حکم قضایی نمایند.

در جرایم مشهود احتمال نقض غیر منطقی حریم خصوصی خودرو توسط پلیس بیشتر است، زیرا در این جرایم پلیس موظف به انجام اقدامات و تحقیقات فوری است و

در این راستا در صورت لزوم می‌تواند نسبت به ورود و تفتیش خودروی اشخاص، حتی بدون اجازه مقام قضایی اقدام نماید. در این موارد اختیارات گسترده پلیس در مورد جرایم خرد و کم‌اهمیت موجب نقض غیر منطقی حریم خصوصی شهروندان می‌شود. از سوی دیگر مقنن در جرایم مشهود، در اعطای اختیارات تصمیم‌گیری به نیروهای پلیس، هیچ تفاوتی بین افسران دارای درجه نظامی بالا و نیروهای پلیسی که فاقد سابقه و تجربه کافی هستند، قائل نشده است و برای همه ضابطان قضایی بدون توجه به درجه نظامی آنها اختیارات یکسانی را در جرایم مشهود در نظر گرفته است.

این در حالی است که در جرایم مشهود قانون‌گذار می‌تواند حق ورود پلیس به خودرو اشخاص و بازرسی آن را صرفاً برای جرایمی با درجه معین در نظر گیرد و اقدام به اتخاذ سیاست جنایی افتراقی با قائل به تفکیک شدن بین جرایم خرد و مهم نماید. همچنین لازم است مقنن در اعطای اختیارات مهم پلیسی از قبیل حق ورود و بازرسی خودرو اشخاص، به درجه نظامی ضابطان دادگستری توجه کند و اختیاراتی متناسب با آن را به ضابطان واگذار نماید تا از این طریق دامنه اختیارات مأمورانی که از سابقه، علم و تجربه کمتری برخوردارند، محدود شود. علاوه بر این موارد، وضع مقرراتی که چگونگی و شرایط به کارگیری ابزارهای مدرن تعقیبی و تحقیقی را معین نماید و ادله حاصل از نقض غیر قانونی حریم خصوصی اشخاص را به رسمیت نشناسد و آن را باطل اعلام نماید، تأثیر بسزایی در مقابله با نقض غیر قانونی حریم خصوصی خودروی اشخاص توسط نیروهای پلیس و پیشگیری از آن خواهد داشت.

منابع

- آقابابایی، حسین، «لیبرالیسم، حریم خصوصی و قانون پاتریوت»، فصلنامه سیاست، دوره چهارم، شماره ۲، ۱۳۸۹.
- آقابابایی، حسین؛ احمدی ناطور، زهرا، «فناوری دروغ سنجی؛ تهدیدی بر علیه حریم خصوصی»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، سال سوم، شماره ۶، ۱۳۹۱.
- انصاری، باقر، «حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام؛ تطبیقی و ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۶، ۱۳۸۳.
- _____، حقوق حریم خصوصی، چاپ سوم، تهران، نشر سمت، ۱۳۹۱.
- افشار، لیلا؛ نعمتی، علی، «حریم خصوصی در پژوهش‌های معطوف به انسان بر مبنای آموزه‌های اسلامی»، راهبرد فرهنگ، شماره ۸ و ۹، (زمستان ۱۳۸۸ و بهار ۱۳۸۹).
- بجنوردی، السید محمد حسن، قواعد الفقهیه، تهران، نشر الهادی، ۱۴۱۹ ق.
- بجستانی، ابو داود سلیمان ابن اشعث، سنن ابی داود، قم، دارالفکر، ۱۴۱۰ ق.
- بیاتی، علی، مجموعه قوانین و مقررات پلیس، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۳.
- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ سی‌وسوم، تهران، انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۵.
- رضوی، محمد؛ خزایی، سیدعلی، «حقوق شهروندی در فرآیند کشف جرم»، دانش انتظامی، شماره ۳۶، ۱۳۸۶.
- رحمدل، منصور، «حق انسان بر حریم خصوصی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۰، ۱۳۸۴.
- رجبی پور، محمود، «حقوق شهروندی و تفتیش و بازرسی خودروها بدون کسب اجازه مخصوص از مقام قضایی»، (بی‌تا). قابل دسترسی در: <http://www.hvm.ir/detailnews.aspx?id=42471>.
- ساریخانی، عادل؛ موسوی، محمد، «قلمرو پوشش و حریم خصوصی در سیاست کیفری اسلام»، پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، شماره ۱۶، ۱۳۹۰.
- شهباز قهفرخی، سجاد، «حریم خصوصی فیزیکی افراد در آیین فقه امامیه و حقوق ایران»، پژوهش‌های فقهی، شماره ۱۳، ۱۳۹۲.
- صالحی، جواد، «حمایت کیفری از امنیت حریم خصوصی در پرتو حاکمیت قانون»، حقوق جزا و جرم‌شناسی، سال اول، شماره ۲، ۱۳۹۱.

- _____ ، «استفاده غیر مجاز پلیس از دستگاه ردیاب؛ جلوه‌ای از نقض حریم خصوصی در رویه قضایی دیوان عالی ایالات متحده و دستاوردهای آن»، پژوهش حقوق کیفری، سال سوم، شماره ۸، ۱۳۹۳.
- صوفی زمر، محسن، «نقض حریم خصوصی و چالش‌های پیشگیرانه فراروی پلیس در نظارت ویدئویی»، مطالعات پیشگیری از جرم، سال ششم، شماره ۲۱، ۱۳۹۰.
- عطازاده، سعید؛ و دیگران، «تجسس در حریم خصوصی مکانی اشخاص با رویکرد امنیت اخلاقی»، پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، سال دهم، شماره چهارم، ۱۳۹۴.
- فنوتای جلیل؛ جاور، حسین، «حریم خصوصی؛ حق یا حکم»، حقوق اسلامی، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۹۰.
- قیاسی، جلال‌الدین، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی، چاپ دوم، جلد اول، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، جلد ۱۰۴، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- محقق حلّی، مختصر النافع فی الفقه الامامیه، جلد یک، تهران، بی‌نا، ۱۴۱۰ ق.
- مقدسی، محمدباقر، رویکرد حقوق بشری به وظایف و اختیارات پلیس در فرآیند کیفری ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۶.
- ملکوتی هاشجین، سیدحسین، «تأملی بر اصل خروج از اختیارات قانونی در دکتترین حقوق اداری انگلیس و ایران»، حقوق اسلامی، شماره ۴۰، ۱۳۹۳.
- کوسن، موریس، «نظارت ویدئویی: دلایل موفقیت و شکست»، ترجمه شهرام ابراهیمی، فصلنامه الهیات و حقوق، شماره ۱۵ و ۱۶، سال ۵، ۱۳۸۴.
- نراقی، احمد، معراج السعاده، قم، هجرت، ۱۳۸۵ ق.
- وفادار، حسین، «فناوری اطلاعات و تأثیرات آن در رفتار سازمانی پلیس»، دانش انتظامی، شماره ۳۵، ۱۳۸۶.
- هاشمی، سیدمحمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۱.

- Alpa, Guido, "Protection of Privacy in Italian Law", In: Protecting Privacy, Edited by: Basils.Markesinis, Oxford, Carlendobn Press, 1998.

-
- Mnookin, Jennifer, "The Image of Truth: Photographic Evidence and the Power of Analogy", Yale Journal of Law and Humanities, vol. 10, 1998.
 - Richmond, Sarah; Grait, Rees; Edwards, Sarah, I Know What you are Thinking: Brain Imaging and Mental Privacy, Nova Science Publishers Inc, New York, 2012.
 - Solove, Daniel, Understanding Privacy, Cambridge, Harvard University Press, 2008.
 - Stone, Richard, "Exclusion of evidence Under Section 78 of the Police and Criminal Evidence Act: Practice and Principle", 1995, Web Journal of Current Legal Issues, At: <http://webclinical.ac.uk/articles3/stone3.html>.
 - Waran, Samuel; Brandies, Louis, "The Right of Privacy", Harvard Law Review, Vol. 4, December 15, No. 5, 1890.